

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۸۶

بررسی منابع غیررسمی اعتبارات روستایی در ایران مطالعه موردی استانهای خراسان رضوی و آذربایجان غربی

دکتر صمد رحیمی سوره^{۱*}، دکتر سیدجواد میر*

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۸۶/۸/۱۶

چکیده

این مقاله نتیجه پژوهشی با هدف شناسایی عوامل مختلف تأثیرگذار بر بخش مالی غیررسمی در خرید محصولات، عرضه نهاده‌ها و اعطای اعتبارات و تعیین سهم آن و همچنین بررسی تطبیقی با بخش مالی رسمی در مناطق روستایی است.

اطلاعات لازم از طریق مطالعات میدانی و تکمیل پرسشنامه در روستاهای ۲ استان خراسان رضوی و آذربایجان غربی به دست آمد. روش تحقیق از نوع پیمایشی با استفاده از برآورد مدل اقتصادسنجی انتخاب دو تایی (مدل لاجیت) است.

نتایج تحقیق نشان داد که منابع مالی غیر رسمی در روستاهای کشور غیر از اعطای اعتبارات، کارکردهای متفاوت دیگر نیز دارند که یکی از آنها تأمین نیازهای روزمره و امور کشاورزی است، به طوری که سهم عوامل رسمی و غیررسمی در خرید محصولات اعم از

* به ترتیب: استادیار و مربی پژوهشی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی e-mail: srssoore@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال پانزدهم، شماره ۶۰

زراعی، باغی و دامی به ترتیب ۲۷/۸ و ۷۲/۲ درصد به دست آمد. همچنین ۷۰ درصد از وام‌های اعطایی به روستاییان از طریق بخش مالی رسمی و مابقی (۳۰ درصد) از سوی منابع غیررسمی (بدون احتساب فامیل و دوستان) پرداخت شده بود.

منابع غیررسمی علاوه بر تأمین نقدینگی روستاییان، در اجاره دادن ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی به صورت نسیه و پیش خرید محصولات فعالند. این منابع مزیت‌هایی مانند در دسترس بودن و نیاز نداشتن به مدارک و وثیقه‌های خارج از توان روستاییان دارند، اما در مقابل، نسبت به منابع رسمی دارای نرخ بهره بالاتر می‌باشند.

نتایج برآورد مدل لاجیت نیز نشان داد که افزایش مساحت زمینهای زیر کشت، احتمال استفاده از بخش مالی غیررسمی را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش سن سرپرست خانوار (به دلیل ریسک‌پذیری پایین افراد مسن) و افزایش درآمد غیر کشاورزی خانوار موجب کاهش احتمال استفاده از منابع غیررسمی می‌گردد.

کلید واژه‌ها:

بخش مالی رسمی و غیررسمی روستایی، وام، خراسان رضوی، آذربایجان غربی

مقدمه

برنامه‌ریزی به منظور توسعه اقتصادی یک کشور یا توسعه در بخشی از اقتصاد مستلزم آگاهی کامل از عملکرد عمومی تمامی عناصر است. بدون تردید اگر سهم و عملکرد برخی از عناصر نادیده گرفته شود، تشخیص صحیح وضعیت موجود و پیش‌بینی درست متغیرهای مورد نظر میسر نمی‌شود و در نتیجه، سیاست‌های اتخاذ شده در رسیدن به اهداف و نتایج از پیش تعیین شده دچار نارساییهای جدی خواهند شد.

در اغلب کشورهای در حال توسعه به دلایل متعددی همچون محدودیتهای وضع شده در قوانین و مقررات؛ گریز از برخی هزینه‌ها مانند بیمه، مالیات و هزینه‌های مربوط به فعالیت در

بررسی منابع غیررسمی ...

چارچوبهای تعیین شده؛ وجود هزینه‌های قابل توجه مبادلاتی؛ ناکارآمدی بخشهای رسمی دولتی و همچنین وجود دیوانسالاری، بخشی از فعالیتهای اقتصادی - که فی‌نفسه ماهیت غیرقانونی (جنایی با جزایی) ندارند - به صورت پنهان انجام می‌شوند یا برای این فعالیتهای مجوزات قانونی و لازم‌الخذ نمی‌شود و در نتیجه در برخی محاسبات اقتصادی و ملی نیز از قلم می‌افتند که این امر تبعات منفی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی دارد.

ماهیت فعالیتهای کشاورزی و کوچک مقیاس بودن تولید در بخش کشاورزی ایران و کشورهای در حال توسعه تنگناهایی را بر تولیدکنندگان و فعالان این بخش تحمیل می‌کند که محدودیتهای اعتباری و کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش از جمله این تنگناهاست. دولتها در کشورهای در حال توسعه پس از انقلاب سبز، برای غلبه بر برخی نارساییهای موجود، تصمیم گرفتند بانکهای کشاورزی تخصصی و یا سایر مؤسسات مالی را به وجود آورند که پرداخت وام به کشاورزان را میسر سازند. تا قبل از این موضوع، تأمین مالی کشاورزان به طور عمده از سوی بخش غیررسمی صورت می‌گرفت. تشکیل نهادها و سازمانهای تخصصی و مؤسسات مالی رسمی نیز اگرچه از سهم منابع غیررسمی کاست اما نتوانست آنها را حذف کنند، به گونه‌ای که بخشهای مالی غیررسمی نه تنها در شکل‌های جدید به حیات خود ادامه دادند بلکه حتی برخی گروه‌های غیررسمی نیز بدان اضافه گردیدند. وجود و ادامه حیات بخش غیررسمی مالی در مناطق روستایی در حال حاضر خود تأییدی بر احساس نیاز روستاییان به این بخش و وجود نارساییهای در بخش مالی رسمی است. صاحبانظران و محققان عقاید و نظرات متعدد و گاه متفاوتی در مورد کارکردها، ضرورتها، نقاط ضعف و قوت، مفید یا مضر بودن بخش مالی غیررسمی ابراز داشته‌اند.

با توجه به اینکه بخش مالی غیررسمی سهم و تأثیر نسبتاً مهمی در بازار مالی روستایی دارد، انجام پژوهشهایی در این زمینه می‌تواند در شناخت اصولی و سیاستگذاریها مفید واقع شود.

در تحقیقات پیشین درباره بازارهای مالی روستایی در ایران صرفاً پرداخت وام به صورت پول نقد مورد توجه بوده و سایر روشهای تأمین مالی کشاورزان توسط بازار غیررسمی

نادیده گرفته شده است. این موارد شامل خرید نهاده‌های کشاورزی و یا اجاره ماشین‌آلات و ادوات مورد نیاز به صورت نسیه توسط روستاییان و همچنین انجام معاملات سلف (پیشفروش) می‌شود که هزینه‌ها و پرداخت نرخ بهره بالاتری را بر روستاییان تحمیل می‌کند. لذا تحقیق حاضر به طور کلی به این موضوعات در چارچوب اهداف و حسب اطلاعات کسب شده می‌پردازد.

این مقاله نتیجه یک پژوهش در روستاهای دو استان شرقی و غربی کشور (استانهای خراسان رضوی و آذربایجان غربی) است که به مقوله بخش مالی غیر رسمی در مقایسه با بخش رسمی می‌پردازد.

مروری بر پیشینه موضوع

بازارهای مالی روستایی با تأکید بر بخش غیررسمی

از اوایل دهه ۱۹۵۰ و مصادف با آغاز انقلاب سبز و افزایش نسبی بهره‌وری و عملکرد، اکثر سیاستگذاران در کشورهای در حال توسعه به منظور تأمین اعتبارات کشاورزان متفقاً به این نتیجه رسیدند که این گروه نیاز به اعتبارات ارزان و وامهایی با نرخهای بهره پایین تر از نرخهای بهره تعادلی در بازار آزاد دارند. این نگرش موجب اتخاذ سیاستهای تأمین منابع مالی از طریق نهادهای رسمی مانند بانکهای تخصصی و غیره شد. در بخش کشاورزی نیز قوانین و مقررات خاص برای بانکها جهت اعطای اعتبار به کشاورزان وضع شد و حتی در مواردی پرداختهای انتقالی و کمکهای بلاعوض با هدف توسعه روستایی و کشاورزی ارائه شد.

پس از یک دهه از آغاز جریان مذکور، شماری از سیاستگذاران و محققان درباره اثربخشی این سیاستها و نتایج آنها اظهار نگرانی نمودند؛ چرا که اهداف مورد نظر و بازده مورد انتظار از سرمایه گذاریها و اعتبارات پرداختی در قالب وامهای ارزان (با نرخهای بهره پایین) حاصل نشده بود.

مسائل اساسی درباره سیاستهای اعتباری - که پس از انقلاب سبز در کشورهای در حال

توسعه و تنگناهای مربوطه توسط اندیشمندان مطرح شد - عبارتند از:

- مشکلات وسیع بازپرداخت وام؛
- واسطه‌های مالی که در آمدی کمتر از هزینه‌شان دارند؛
- تقسیمات نامناسب بازارهای مالی روستایی؛
- نادیده گرفته شدن و یا نقض آیین‌نامه‌های دولتی از سوی برخی از واسطه‌های مالی؛
- وجود روابط قوی به جای ضوابط؛
- فقدان کلی خدمات جهت پس‌انداز سپرده‌ها؛
- انتقال میزان قابل توجهی پول از مناطق روستایی توسط واسطه‌های مالی؛
- اتکای وسیع واحدهایی از بازارهای مالی روستایی به پولهای خارجی و بروز دخالت‌های سیاسی بی‌مورد در این بخشها؛
- قرار گرفتن بخش چشمگیری از اعتبارات کم‌بهره و ارزان در اختیار ثروتمندان و کشاورزان بزرگ مقیاس (آدامز، ۱۹۸۶).

ساختار بازار مالی در اغلب کشورهای در حال توسعه به دو بخش اساسی تقسیم شده است. برای این دو بخش اسامی مختلفی در متون مربوطه به کار گرفته شده است؛ اما به هر حال در اکثر آنها از اصطلاحات و واژه‌هایی همچون بخش مالی رسمی و غیررسمی^۱ یا متشکل و غیرمتشکل^۲ استفاده گردیده است. در مواردی نیز بخش مالی غیررسمی با واژه‌های بازار پولی موازی^۳ و بازار پولی زیرزمینی^۴ نیز نامگذاری شده است.

از دهه ۱۹۸۰ تاکنون نیز مطالعات فراوانی در مورد نقش بخش غیررسمی در مناطق روستایی انجام شده است. تجارب کشورهای مختلف در حال توسعه نشان می‌دهد که بخش مالی رسمی در زمینه تأمین مالی طرح‌های بزرگ مقیاس و طرح‌هایی مهم در سطح ملی و منطقه‌ای، بر بخش غیررسمی برتری داشته است. اما نقش عمده بخش مالی غیررسمی در تأمین

1. formal and informal credit sector
2. organized and unorganized credit market (sector)
3. parallel money market
4. underground money market

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال پانزدهم، شماره ۶۰

مالی طرحهای کوچک مقیاس و نیازهای اعتباری خانوارهای کم درآمد نیز انکارناپذیر است (Nwana, 1995).

از آنجا که در کشورهای در حال توسعه مشتریان مالی روستایی را عمدتاً کشاورزان خرده پا و کارآفرینهای خرد و متوسط تشکیل می دهند، از این رو در این جوامع نهادهای غیررسمی امتیازات فراوانی نسبت به نهادهای رسمی دارند.

پیشینه تحقیقات در ایران

شاید اولین مطالعه مربوط به بازار مالی غیررسمی ایران مربوط به خلعتبری در سال ۱۳۶۹ باشد. او فعالیتهای اقتصادی را به دو دسته کلی اقتصاد رسمی و اقتصاد زیرزمینی تقسیم کرده و اقتصاد زیرزمینی را فعالیتهای نهان از محاسبات آماری می داند. وی اقتصاد زیرزمینی را در سه طبقه قرار می دهد: اقتصاد خودخدمتی، اقتصاد سیاه و اقتصاد غیرمتشکل (خلعتبری، ۱۳۶۹، ص ۷).

ایران نژاد (۱۳۷۵) در کتاب خود ضمن تعریف و طبقه بندی بخشهای رسمی و غیررسمی نتایج تجربی برخی تحقیقات موردی را به منظور استفاده از آنها ذکر کرده است. عرب مازار و خدارحمی (۱۳۷۸) طی انجام طرح پژوهشی در بانک کشاورزی - که با نمونه ۶۰۰۰ خانواری صورت گرفت - نشان دادند بخش عمده اعتبارات مورد نیاز کشاورزان و روستاییان یعنی بیش از ۳ آن از سوی بانک کشاورزی، بانکهای تجاری و تعاونیهای روستایی تأمین می شود. با این حال وام دهندگان بخش خصوصی به کلی حذف نشده اند و با وجود بالا بودن نرخهای سود (تا بیش از ۲ برابر بخش رسمی) هنوز نزدیک به ۱ عرضه تسهیلات را به خود اختصاص داده اند.

یعقوبی و ترکمانی (۱۳۸۲) طی مطالعه ای موردی در شهرستان مرودشت نشان دادند که توزیع اعتبارات بخش رسمی بیشتر به سوی پرداخت به کشاورزان پردرآمدتر سوق داشته است و در مقابل، کشاورزان کم درآمدتر بیشتر از منابع غیرمتشکل نیاز مالی خود را برطرف ساخته اند.

بررسی منابع غیررسمی ...

ترکمانی و کرمی (۱۳۸۲) طی مطالعه‌ای موردی در استان کهگیلویه و بویراحمد به این نتیجه رسیدند که بانک کشاورزی در مقایسه با منابع غیررسمی، در پرداخت وام کارا تر عمل کرده و از توان رقابتی بالاتری برخوردار است. با این حال، نتایج به دست آمده مبین توزیع نامناسب اعتبارات پرداختی بانک کشاورزی است. در این باره ۷۶/۵ درصد از کشاورزان وام مورد نیاز خود را از منابع رسمی و ۲۳/۵ درصد از منابع غیررسمی دریافت کرده‌اند.

روش تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق شامل خانوارهای روستایی بهره‌بردار (کشاورزی) در دو استان خراسان رضوی و آذربایجان غربی است. از آنجا که یکی از اهداف تحقیق بررسی وضعیت فروش محصولات کشاورزی اعم از زراعی، باغی و دامی و نقش عوامل غیررسمی در آن بوده است لذا سعی شد تا مناطقی انتخاب شود که علاوه بر فعالیتهای زراعی و باغی، فعالیتهای دامداری نیز داشته باشند.

به دلیل تفاوت‌های منطقه‌ای در دو استان مورد بررسی، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده^۱ استفاده شد، بدین ترتیب که استان خراسان رضوی به دلیل وسعت زیاد و داشتن تعداد شهرستانهای بیشتر، به سه منطقه شمالی، مرکزی و جنوبی و استان آذربایجان غربی به دو منطقه شمالی و جنوبی تقسیم شد. سپس در هر منطقه به طور تصادفی یک شهرستان انتخاب گردید که عبارتند از: شهرستانهای درگز، گناباد و تربیت حیدریه در استان خراسان رضوی و شهرستانهای مهاباد و ماکو در استان آذربایجان غربی.

به‌طور کلی پرسشنامه‌های تحقیق در ۲ استان، ۱۱ بخش، ۲۷ دهستان و ۶۹ روستا تکمیل و در هر دهستان نیز ۲ یا ۳ روستای ۳۰ خانوار یا بالاتر انتخاب شد. در داخل روستا برای انتخاب خانوارها از روش نمونه‌گیری سیستماتیک^۲ استفاده گردید. برای تعیین و برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد.

1. stratified sampling
2. systematic sampling

در این تحقیق جهت بالا بردن درجه اعتماد نسبت به نتایج به دست آمده، اطلاعات ۳۷۴ مشاهده (پرسشنامه خانوار روستایی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. علاوه بر پرسشنامه‌های خانوار، ۶۹ پرسشنامه روستا و همچنین تحقیقات مشارکتی در ۶ روستا پستوانه نتایج و یافته‌های این تحقیق به شمار می‌روند. جمع آوری اطلاعات مربوط به سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۰ می‌شود.

به طور کلی اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق پرسشنامه به روش مصاحبه حضوری توسط کارشناسان استانهای مربوطه کسب شد. برای روایی سئوالات و پرسشنامه‌ها چند اقدام صورت گرفت:

- تحقیقات مشارکتی (ارزیابی مشارکتی روستایی^۱) در ۶ روستا

- بررسی پرسشنامه‌ها توسط چند متخصص موضوعی

- انجام مرحله پیش‌آزمون^۲

همچنین برای تخمین پایایی و سازگاری درونی^۳ (اعتبار و پایایی) پرسشنامه، ضریب آلفا^۴ (برآورد پایانی) محاسبه گردید. مقدار ضریب α در حدود ۰/۷۵ به دست آمد که دلالت بر اعتبار مقیاس اندازه‌گیری در تحقیق دارد.

داده‌های به دست آمده در دو سطح توصیف و تبیین و همبستگی، تحلیل آماری شده‌اند. بدین منظور بر اساس اهداف و سئوالات تحقیق، متغیرهای مورد نظر از طریق آماره‌های توصیفی مورد توصیف قرار گرفتند. همچنین همبستگی میان متغیرها از طریق شاخصهای آماری مثل ضرایب همبستگی و در مواردی از طریق آنالیز واریانس، توضیح و تفسیر شده‌اند. در این بخش از تحلیلها از نرم افزار SPSS استفاده گردید.

به منظور تبیین عوامل مؤثر بر استفاده از بخش مالی غیررسمی از الگوی اقتصادسنجی انتخاب دوتایی یعنی با متغیر وابسته دوتایی^۵ استفاده شده است. برای تعیین آثار متغیرهای

1. participatory rural appraisal (PRA)
2. pre-test
3. internal consistency estimation of reliability
4. alpha coefficient
5. binary

بررسی منابع غیررسمی ...

مستقل (توضیحی) بر متغیر وابسته دوتایی روشهای متعددی وجود دارد که در این تحقیق الگوی (مدل) لاجیت^۱ به کار رفته است. در این الگوها نوع یا چگونگی مواجهه افراد با وقایعی مورد تحلیل واقع می شود که به صورت دوتایی تعریف می شوند و این افراد صرفاً به انتخاب یک گزینه مبادرت می کنند. بدین منظور استفاده یا عدم استفاده از بخش مالی غیررسمی توسط خانوار روستایی به عنوان متغیر وابسته موهومی (دوتایی) در نظر گرفته شده و اثر برخی عوامل و متغیرهای مستقل بر آن تحلیل گردیده است. برای حالت استفاده خانوار روستایی I ام از بخش مالی غیررسمی (Y_i) عدد یک و در صورت عدم استفاده از این بخش عدد صفر اختصاص می یابد. اگر P_i احتمال $Y_i = 1$ باشد، آنگاه احتمال $Y_i = 0$ معادل $1 - P_i$ خواهد بود. مجموعه متغیرهای مستقل اثر گذار بر حالت استفاده از بخش غیررسمی نیز با نماد X_i نشان داده می شود. بنابراین، احتمال وقوع حالت مورد نظر (استفاده یا عدم استفاده از بخش غیررسمی) تابعی از پارامترهای β' و X خواهد بود.

$$\text{prob}(Y_i = 1) = F(\beta'X_i)$$

$$\text{prob}(Y_i = 0) = 1 - F(\beta'X_i)$$

کشش متغیر مستقل k ام در مدل لاجیت پس از محاسبه اثر نهایی (ME) (یعنی میزان

تغییر در احتمال $X_i=1$ بر اثر تغییر یک واحد در متغیر مستقل) به شکل زیر قابل محاسبه است:

$$\varepsilon_k = (ME) \left(\frac{X_{ik}}{P_i} \right)$$

$$ME = \frac{\partial P_i}{\partial X_k} = \frac{\exp(\beta'X)}{[1 + \exp(\beta'X)]^2} \cdot \beta_k$$

کشش متغیر مستقل، میزان تغییر در احتمال $Y_i = 1$ بر اثر یک درصد تغییر در متغیر

مستقل را نشان می دهد. اگر چه برای تخمین مدل لاجیت می توان از هر دو روش OLS و

حداکثر راستنمایی (ML) استفاده نمود، اما با توجه به اشکالات روش OLS، تخمین مدل

لاجیت معمولاً از طریق تابع حداکثر راستنمایی وبا استفاده از نرم افزار Limdep انجام

شده است.

1. logit model

نتایج و بحث

- در مورد فروش فراورده‌های لبنی در روستاها، ۳۱ درصد کل فروش این محصولات به صورت نسیه بوده و سهم عوامل رسمی یعنی مراکز جمع‌آوری شیر و کارخانه‌ها حدود ۷۰ درصد و سهم عوامل غیررسمی حدود ۳۰ درصد برآورد شده است. با این حال ۹۰ درصد شیر را منابع رسمی به صورت نسیه خریداری کرده‌اند و لذا پرداخت وجه آن با تأخیر نسبتاً زیادی صورت گرفته است. فروش این محصولات به عوامل غیررسمی عمدتاً به صورت نقد بوده و در صورت فروش نسیه نیز تأخیر در پرداخت وجه کمتر از عوامل رسمی بوده است.

- در خصوص فروش دام سبک، یافته‌ها حاکی است که در طول سه سال ۲۰ درصد و در طول یک سال فقط ۱۰ درصد از دامداران اقدام به فروش دام به عوامل رسمی یعنی شرکت پشتیبانی دام نمودند. اطلاعات تأخیر در پرداخت وجه مربوط به خرید و فروش دام نشان می‌دهد که تأخیر بیش از ۳ ماه در عوامل غیررسمی در ۶ درصد موارد ولی در عوامل رسمی در نزدیک به ۳۳ درصد موارد رخ داده است.

- براساس اظهارات دامداران روستایی، ۹۲ درصد خدمات تعاونیهای دام موجود صرفاً فروش علوفه و خوراک دام بوده و ۷۶ درصد آنها تفاوت بین قیمت‌های تعاونی با قیمت‌های بازار آزاد را صفر، اندک یا بسیار اندک ارزیابی کردند. آزمون t نشان از معنیداری نتایج در سطح ۹۵ درصد دارد.

- به دلیل مشکلات کشاورزان در خصوص نقدینگی و سرمایه در گردش، آنها مجبور به خرید علوفه و خوراک دام به صورت نسیه بوده و این امر در تمامی موارد از طریق عوامل غیررسمی صورت می‌پذیرد. در همه این موارد نیز قیمت تعیین شده و توافقی بیشتر از قیمت روز همان نهاد بوده و متوسط نرخ بهره سالانه برای این معاملات در زمینه محصولات جو، یونجه، کنسانتره و سبوس حدود ۵/۸ درصد برآورد شده، اما اطلاعات نشان می‌دهد در ۲۵ درصد موارد صرفاً توافق شفاهی یا ارائه قبض کافی بوده و در بقیه موارد چک یا سفته برای معامله به کار گرفته شده و هیچ‌گونه ضمانت دیگری مطرح نبوده است.

بررسی منابع غیررسمی ...

۲۱- درصد محصول تولیدی جو به صورت نسیه و ۷۹ درصد به صورت نقد به فروش رفته است و خریداران همگی از عوامل غیررسمی بوده‌اند.

- بیش از ۹۰ درصد محصول چغندر به عوامل رسمی یعنی کارخانه‌های مربوطه فروخته می‌شود و ۶ درصد نیز به صورت پیش فروش می‌باشد.

- عوامل رسمی در خرید محصولاتی مانند یونجه، آفتابگردان و زعفران نقش چندانی نداشته‌اند. در مورد زعفران ۱۴ درصد آن پیشفروش اظهار شده و نرخ بهره سالانه مربوطه حدود ۷۸ درصد محاسبه گردیده است.

- سهم عوامل رسمی در خرید محصول سیب فقط ۵ درصد بوده و بقیه به عوامل غیررسمی اختصاص داشته است. ۴۵ درصد کل فروش، نقدی و ۵۵ درصد نسیه بوده است. فروش سلف آن در حدود ۲۷/۵ درصد کل فروش اظهار گردیده که بالاتر از دیگر محصولات می‌باشد. نرخ بهره مربوط به معاملات سلف در مواردی که اطلاعات لازم برای محاسبه وجود داشت، حدود ۶۶ درصد در سال به دست آمد.

- سهم عوامل رسمی شامل شرکت تعاونی و کارخانه‌های مرتبط با محصول پنبه حدود ۳۳ درصد از کل خرید بوده و ۶۷ درصد مابقی را عوامل غیررسمی مانند واسطه‌های محلی و شهری، به خود اختصاص دادند. نرخ بهره سالانه معاملات سلف در زمینه محصول پنبه معادل ۱۱۴ درصد بوده است.

- اگر کل محصولات کشاورزی اعم از دامی، زراعی و باغی در نظر گرفته شود، سهم عوامل رسمی و غیررسمی در خرید این محصولات به ترتیب ۲۷/۸ و ۷۲/۲ درصد خواهد بود. جدول ۱ سهم عوامل رسمی و غیررسمی را در خصوص خرید محصولات زراعی، باغی و دامی (به تفکیک) نشان می‌دهد.

جدول ۱. سهم عوامل رسمی و غیررسمی در خرید محصولات دامی، زراعی و باغی

بر مبنای ارزش خرید

شرح	رسمی*	غیررسمی**
محصولات دامی (لبنیات، دام زنده و سایر)	۳۱/۲	۶۸/۸
محصولات زراعی و باغی	۲۴	۷۶
کل (دامی، زراعی و باغی)	۲۷/۸	۷۲/۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

* عوامل رسمی عبارتند از: شرکت تعاونی، مراکز جمع‌آوری شیر، کارخانه‌های فرآوری محصولات کشاورزی و دامی، سازمانها و ارگانهای دولتی، کشتارگاه‌های مجاز، شرکت پشتیبانی امور دام.
** عوامل غیررسمی عبارتند از: تاجران شهری، واسطه‌های شهری، دکانداران شهری، دکانداران روستایی، خریداران و واسطه‌های محلی، پيله‌وران، اهالی روستا، بازار شهری.

- بررسی منابع مالی رسمی و غیررسمی در خصوص پرداخت وام به روستاییان در استانهای مورد مطالعه (جدول ۲) نشان می‌دهد که منابع رجوع روستاییان در مواقع ضروری و فوری به ترتیب اولویت عبارتند از: آشنایان و فامیل، بانکها، فروش دام و بانک کشاورزی؛ البته اهمیت بانک کشاورزی از سایر بانکها بسیار بالاتر بوده است. در این باره مراجعه به ارگانها و سازمانها و رباخواران در اولویتهای آخر قرار دارند.

- مقایسه برخی شاخصها بین بانک کشاورزی و سایر بانکها حاکی است که شاخصهای طول مدت بازپرداخت، نرخ سود، فاصله زمانی بین درخواست و دریافت وام و نرخ دیرکرد در بانک کشاورزی برای وام گیرندگان وضعیت بهتری نسبت به سایر بانکها داشته ولی شاخص هزینه‌های دریافت وام در سایر بانکها کمتر از بانک کشاورزی بوده است.

- حدود ۶۳ درصد از پاسخگویان موفق به گرفتن وام از شرکت تعاونی شده بودند. متوسط مبلغ وام در این تعاونیها کمتر از بانک کشاورزی و سایر بانکها بوده اما ارائه اسناد رسمی و وثیقه در این تعاونیها از شرایط پرداخت وام نبوده و این یکی از مزایای تعاونیها در پرداخت وام نسبت به نظام بانکی کشور می‌باشد. مقایسه مصارف وام دریافت شده از تعاونیها حاکی از صرف آن برای مخارج روزمره و تهیه لوازم خانگی در ۷۱ درصد موارد، ولی همین

بررسی منابع غیررسمی ...

رقم در وامهای مربوط به بانک کشاورزی ۲۵ درصد بوده است. در ۹۰ درصد موارد، تعاونیهای روستایی برای پرداخت وام به اخذ چک یا سفته و تعهد کتبی اکتفا نموده‌اند.

- فقط ۷ درصد از پاسخگویان از سلف‌خران و میدان داران وام گرفته بودند. میانگین نرخ بهره سالانه این گروه حدود ۷۰ درصد ذکر شده است که بسیار بالاتر از بخش مالی رسمی است. اما به هر حال در ۳۰ درصد موارد صرفاً ارائه رسید کتبی و یا توافق شفاهی برای اخذ وام کفایت می‌کرده است. مصارف وام از این گروه در بیش از ۵۰ درصد، مواردی چون امور دامداری و کشاورزی بوده که کمتر از نظام بانکی ولی بیشتر از تعاونیهای روستایی می‌باشد.

- ۱۴ درصد از پاسخگویان از رباخواران وام دریافت کرده بودند که در بیش از ۵۰ درصد، موارد این مبالغ صرف امور دامداری یا کشاورزی شده بود. ۳۵ درصد موارد با توافق شفاهی یا رسید کتبی انجام یافته و در ۶۰ درصد موارد ضامن و چک یا سفته رد و بدل شده بود. لذا از این جهت گروه‌های مالی غیررسمی شرایط به مراتب سهلتری نسبت به نظام بانکی و حتی تعاونیها دارند.

- نقش آشنایان، روستاییان و فامیل در ارائه قرض (وام) بسیار مؤثر می‌باشد. ۴۶ درصد از آنها از این نوع قرضها استفاده کرده بودند. در بیش از ۹۰ درصد موارد هیچ سندی رد و بدل نشده است. اما به هر حال بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها بسیار کوتاه مدت بوده است. در هر صورت وام یا قرض در این گروه بسیار کوتاه‌مدت بوده و کاملاً ماهیت غیرتجاری دارند.

- دریافت وام از صندوقهای قرض‌الحسنه صرفاً در ۶ درصد موارد اظهار شده است که کمتر از بقیه منابع مالی رسمی یا غیررسمی است. این صندوقها از لحاظ شرایط پرداخت وام تقریباً شبیه بانکها عمل می‌کنند، ولی با این تفاوت که ارائه وثیقه به صورت اسناد مالکیت بسیار کمتر از نظام بانکی است.

- با صرف نظر از اعضای فامیل و آشنایان (به دلیل نداشتن ماهیت تجاری) در پرداخت وام، یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از وامهای پرداختی از طریق بخش مالی رسمی و ۳۰ درصد مابقی از طریق بخش مالی غیررسمی بوده است. رقم مربوط به سهم عوامل

رسمی در پرداخت وام در این پژوهش کمتر از تحقیقات دیگر است.

- اگر منابع اعتباری غیررسمی مانند خرید نسیه نهاده‌ها و ادوات کشاورزی و یا پیشفروش محصولات کشاورزی را به مبالغ پرداخت وام از منابع رسمی و غیررسمی اضافه نماییم، سهم بخش مالی غیررسمی از آنچه در بخش وام ذکر گردید، بالاتر رفته و در مقابل سهم منابع رسمی پایین تر از ۷۰ درصد خواهد بود.

- رابطه بین میزان درآمد خانوار و میزان استفاده از بخش مالی غیررسمی در روستاها مستقیم و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار بوده است؛ یعنی روستاییان پردرآمدتر، از منابع مالی غیررسمی بیشتر از دیگران استفاده کرده‌اند.

- یافته‌ها حاکی از استفاده روستاییان از منابع مالی غیررسمی در اجاره کردن ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی بوده است. کشاورزان ۱۲ درصد از نیازهای خود را در این زمینه از طریق دوستان و آشنایان مرتفع ساخته‌اند و در ۸۷ درصد موارد استفاده نسیه از این نهاده‌های ثابت از طریق منابع غیررسمی بوده است.

با توجه به تمامی موارد مذکور (وام، پیش‌خرید، اجاره نسیه ادوات کشاورزی) به نظر می‌رسد سهم بخش مالی غیررسمی نسبت به بخش مالی رسمی بیش از ۳۵ درصد باشد که رقم قابل توجهی به شمار می‌آید. سهم منابع غیررسمی در خرید محصولات بسیار بیشتر از منابع رسمی است (۷۲ درصد در مقابل ۲۸ درصد).

- وجود اعتماد در بین روستاییان و عوامل غیررسمی باعث شده است ارائه خدمات بدون هیچ گونه سندی و در مواردی با توافق شفاهی صورت گیرد. به هر حال روستاییان برای استفاده از خدمات و منابع اعتباری بخش غیررسمی نیازی به سپردن وثیقه، اسناد مالکیت و صرف هزینه‌های تأمین این اسناد ندارند.

- فروش نسیه ادوات کشاورزی و پیش‌خرید محصولات به هنگام نیاز روستاییان، از انعطاف‌پذیری و در دسترس بودن دائمی عوامل غیررسمی حکایت می‌کند.

بررسی منابع غیررسمی ...

- اگرچه تجارب، سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد که نهادهای مالی غیررسمی روستایی علاوه بر نیازهای اعتباری و پرداخت وام به روستاییان، به واسطه گری مالی و تجهیز پس اندازها نیز می‌پردازند، اما در ایران این پدیده غیر از برخی صندوقهای قرض الحسنه محلی، در میان افراد و گروههای غیررسمی مالی بسیار کمتر مشاهده می‌شود.

- نتایج برآورد مدل لاجیت برای بررسی برخی عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش احتمال استفاده روستاییان از بخش مالی غیررسمی نشان می‌دهد که با افزایش مساحت زمینهای زیرکشت، احتمال استفاده از بخش مالی غیر رسمی توسط روستاییان نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر میزان درآمد استفاده کنندگان از منابع مالی رسمی بیشتر از درآمد کسانی بود که به بخش مالی غیر رسمی رجوع نموده‌اند. علامت اثر نهایی (کشش پذیری) متغیرهای سن سرپرست خانوار، فاصله روستا تا شهر و درآمد غیر کشاورزی در تغییر احتمال استفاده از بخش مالی غیر رسمی منفی به دست آمد. با افزایش سن سرپرست خانوار، احتمال مورد نظر به دلیل ریسک‌گریز بودن افراد مسنتر کاهش می‌یابد.

نتایج مدل لاجیت همچنین حاکی از منفی بودن اثر نهایی متغیر توضیحی مربوط به میزان درآمد حاصل از فعالیتهای غیر کشاورزی (خارج از مزرعه) است؛ یعنی هر چه منابع درآمدی روستاییان متنوع‌تر بوده و از این محل درآمد بیشتری کسب کرده‌اند، نیاز آنها به منابع غیررسمی کمتر شده است. دلیل این امر را باید در رفع نیازهای فوری، سرمایه در گردش و هزینه‌های زندگی و نهادهای کشاورزی و دامی از محل درآمد کسب شده از فعالیتهای غیر کشاورزی جستجو نمود. این امر اهمیت و کارکرد مناسب فعالیتهای غیر کشاورزی در روستاهای کشور را به اثبات می‌رساند. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که این گونه خانوارها، بخشی از پس انداز خود از محل این فعالیتهای را در جهت تقویت و تأمین نیازهای مربوط به فعالیتهای کشاورزی خود صرف می‌کنند.

- شواهد و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قوانین و مقررات حاکم بر بخش غیر رسمی به طور قابل توجهی از فرهنگ و آداب مردم سرچشمه می‌گیرد و در نتیجه، مبادلات برمبنای محاسبات اجتماعی، اعتماد و شناخت افراد نسبت به یکدیگر انجام می‌شود. این بخش آزادی عمل بیشتری داشته و قادر به ارائه خدماتی است که بخش رسمی یا توانایی انجام آنها را ندارد و یا قوانین اجازه آن را نمی‌دهند. بخش غیر رسمی همچنین نیازهای روستاییان به ویژه نیازهای کوتاه‌مدت و سرمایه در گردش روستاییان را در زمان مقتضی تأمین می‌کند، با روستاییان مراودت و آشنایی دارد، کاملاً با شرایط مناطق روستایی سازگار است و انعطاف‌پذیری بالایی نیز دارد، اما در مقایسه با بخش رسمی نرخ بهره‌های بسیار بالاتری دارد که در مواردی این نرخ کاملاً خارج از توان اقتصادی خانوارهای روستایی می‌باشد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که منابع مالی غیررسمی در روستاهای کشور به مناسبت‌های مختلف با کارکردهای متفاوت و چندگانه وجود دارند و فعالیت می‌کنند. وجود و نقش آنها در امور کشاورزی و در زندگی روستاییان انکارناپذیر است. فعالیت‌های این منابع در مقایسه با دهه‌های گذشته متحول شده و شکل جدیدی به خود گرفته است. آنها در همه فصول سال حضور دارند و عمدتاً ساکنان خارج از روستا به ویژه شهرها گردانندگان این بخش هستند. این منابع علاوه بر پرداخت وام (به صورت پول نقد) در اجاره دادن ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی به صورت نسیه و یا پیش خرید محصولات از کشاورزان نیز فعالند و به نظر می‌رسد حضور آنها در مواردی برای روستاییان حیاتی است.

با این همه وجود نرخ بهره‌های بسیار بالای منابع مالی غیر رسمی (مانند ۱۴۴ درصد در سال) نشان‌دهنده شرایط سخت بر روستاییان دارد؛ پس نمی‌توان نقش مخرب آنها را در مواردی انکار کرد.

بررسی منابع غیررسمی ...

جدول ۲. منابع پرداخت وام به روستائیان

اولویت نهایی	درصد	ضریب نهایی	اولویت چهارم		اولویت سوم		اولویت دوم		اولویت اول		منابع مورد رجوع
			درصد	تعداد پاسخ	درصد	تعداد پاسخ	درصد	تعداد پاسخ	درصد	تعداد پاسخ	
۱	۲۷/۸	۶۶۰	۱۸/۵	۵	۱۱/۱	۱۴	۲۴/۴	۶۱	۳۲/۸	۱۱۱	آشنایان و فامیل
۲	۱۷/۲	۴۱۰	۱۸/۵	۵	۳۳/۴	۴۲	۴/۴	۱۰	۲۱/۲	۷۲	بانکها (غیر از بانک کشاورزی)
۳	۱۲/۹	۳۰۷	۱۴/۸	۴	۱۸/۳	۲۳	۴/۴	۱۱	۱۶/۵	۵۶	فروش دام
۴	۱۲/۲	۲۹۰	۳/۷	۱	۱/۶	۲	۱۷/۲	۴۳	۱۱/۵	۳۹	بانک کشاورزی
۵	۱۰/۸	۲۵۶	۳/۷	۱	۷/۲	۹	۲۲	۵۵	۵/۳	۱۸	فروش یا پیشفروش محصولات
۶	۷/۱	۱۶۹	۷/۴	۲	۷/۱	۹	۱۷/۲	۴۳	۱/۵	۵	فروش اموال
۷	۳/۳	۷۸	-	-	-	-	۲/۴	۶	۴/۴	۱۵	اهالی روستا
۸	۲/۱	۴۹	۱۱/۱	۳	۱۱/۱	۱۴	۰/۸	۲	۰/۹	۳	کمیته امداد
۹	۱/۶	۳۸	-	-	۰/۸	۱	۱/۶	۴	۱/۸	۶	تاجران و واسطه‌ها
۱۰	۱/۶	۳۷	-	-	۲/۴	۳	۲	۵	۱/۲	۴	خرید نسیه و فروش نقد
۱۱	۱/۳	۳۱	-	-	-	-	۲	۵	۱/۲	۴	شرکت تعاونی
۱۲	۱/۲	۲۸	۲۲/۲	۶	۷/۱	۹	-	-	۰/۳	۱	مراجعه به ارگانها و ادارات
۱۳	۱	۲۴	-	-	-	-	۱/۶	۴	۱/۵	۵	ریباخواران

مأخذ: محاسبات تحقیق

تذکر: برای به دست آوردن ضریب نهایی، اولویت اول در ۴، اولویت دوم در ۳، اولویت سوم در ۲ و اولویت چهارم در یک ضرب و همه با هم جمع می‌شوند.

پیشنهادها

- نگرش یک‌جانبه و افراطی به بخش مالی غیر رسمی روستایی چه در مردود و استثماری دانستن آنها و چه در مفید بودنشان موجب مغفول ماندن بسیاری از واقعیات و تنگنای موجود در مناطق روستایی در زمینه مسائل اعتباری و فروش محصولات کشاورزی می‌شود.

- با توجه به اینکه سهم بازار غیر رسمی مالی روستایی در تأمین نیازهای اعتباری و سرمایه در گردش روستاییان (اعم از وام، خرید نسبه نهاده‌ها و پیشفروش محصول) نقش انکارناپذیر دارد و بیش از ۳۵ درصد کل این نیاز را تأمین می‌نماید، لذا انجام پژوهش‌های علمی در رشته‌های مختلف اقتصاد، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

- با توجه به اینکه ۶۰ درصد دامداران برای فروش فراورده‌های لبنی به بازارهای خارج از روستا رجوع می‌کنند و در این باره ۷۳ درصد از آنها بیش از ۱۰ کیلومتر راه می‌پیمایند، بنابراین، شیوه جمع‌آوری این محصولات، به ویژه شیر خام از روستاییان، باید ساماندهی شود. در این زمینه پیشنهاد می‌شود بخش دولتی حمایت‌های لازم را از تشکلهای خاص دامداران روستایی انجام دهد و جریان مشارکت فعال و واقعی دامداران روستایی را تسهیل کند. این در حالی است که برخی نتایج در مورد تعاونیهای دامداران حاکی از نقش منفعل و غیرمؤثر آنها در فعالیت دامداری و نادیده گرفتن روستاییان در فرایند مدیریت، تصمیم‌گیری و برنامه‌های تعاونیهای دامداران است. از این رو تفکیک تعاونی دامداران روستایی با دامداران صنعتی و نیمه‌صنعتی - که عمدتاً در مراکز شهری متمرکزند - امری ضروری و مهم تلقی می‌شود. تشکلهای دامداری و روستایی می‌توانند دربرگیرنده برخی عوامل غیررسمی فعال در بازار شیر و فراورده‌های آن مانند ماست‌بندی‌ها، شیرکشی‌های محلی، دکانداران و واسطه‌های محلی نیز باشند. از این طریق می‌توان به تجهیز بیشتر پس‌اندازها اقدام کرد و در راستای سرمایه‌گذاری در واحدهای کوچک، فراوری این محصولات و برنامه‌های مشابه می‌تواند بیشتر فعال شود. بالا بردن قدرت چانه‌زنی دامداران روستایی در زمینه قیمت این فراورده‌ها و سازماندهی برخی عوامل غیررسمی از تبعات مثبت چنین اقداماتی محسوب می‌شوند.

بررسی منابع غیررسمی ...

- یکی از نقاط ضعف عوامل رسمی در خرید محصولات لبنی و دامی تولیدکنندگان روستایی، تأخیر بیش از حد معمول در پرداخت وجه محصولات خریداری شده می‌باشد که معمولاً در مورد منابع غیر رسمی این مشکلات بسیار کمتر از بخش رسمی دیده می‌شود. با عنایت به مشکلات عدیده در خصوص سرمایه در گردش تولیدکنندگان روستایی، پیشنهاد می‌شود سازمانهای رسمی ترتیباتی اتخاذ کنند تا کارآمدی و انعطاف لازم در مواجهه با این گروه را پیدا کنند. در غیر این صورت بدون تردید اهداف سیاستگذاران در خصوص این برنامه‌ها محقق نمی‌شود و در عمل وجود این سازمانها مورد تردید واقع می‌شود. این مسئله در مورد محصول شیر و فراورده‌های آن و در نتیجه بخش رسمی، به دلیل سهم بالای فعالیتهای آن در زمینه این محصول، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

- بخشی از پاسخگویان به دلیل داشتن مشکلات نقدینگی مبادرت به خرید نسبه علوفه و خوراک دام نموده‌اند که در کلیه موارد این کار از طریق بخش مالی غیررسمی صورت گرفته است. از این رو تعاونیهای روستایی، تعاونیهای دامداران و یا سایر نهادهای مرتبط با این نوع خدمات دچار کمبودهای جدی هستند. پیشنهاد می‌شود در قالب قوانین و مقررات مربوطه به ارگانهای مذکور اجازه داده شود تا بخشی از منابع خود را به رفع نیازهایی از این دست اختصاص دهند.

- یافته‌های پژوهش نشان داد که نرخ بهره بخش غیر رسمی در زمینه معاملات سلف (پیشفروش) محصولات زراعی و باغی مانند گندم، چغندر، سیب، زعفران و... بیشتر از نرخ بهره وام پرداختی توسط بخش رسمی می‌باشد. لذا روستاییان از طریق پیشفروش دچار مشکلات به مراتب بیشتری نسبت به دریافت وام می‌شوند. بنابراین، سازماندهی بازار محصولات کشاورزی و حمایت سازمانهای اجرایی دولتی در این زمینه ضروری است.

- با عنایت به نقاط قوت تعاونیهای روستایی در مقایسه با نظام بانکی (براساس اظهارنظر روستاییان) و همچنین داشتن مقررات متناسب با شرایط روستاییان برای ارائه خدمات اعتباری، پیشنهاد می‌شود ارتباط بین این دو ارگان رسمی از طریق وزارت جهاد کشاورزی به منظور استفاده از قابلیتهای یکدیگر تقویت گردد.

- به دلیل ناکارآمدی تعاونیهای روستایی و تعاونیهای تولید، بخشی از روستاییان برای تأمین نهاده‌ها و ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی به منابع بخش غیر رسمی مراجعه می‌کنند. بنابراین کارآمدتر ساختن تشکلهای به وجود آمده و یا حمایت از تشکلهای جدید در مناطق روستایی ضروری به نظر می‌رسد. واگذاری برخی از کارکردهای بخش غیر رسمی مانند اجاره دادن ماشین‌آلات و پیش خرید محصولات مختلف به برخی تشکلهای و تعاونیها در نهایت می‌تواند به نفع روستاییان باشد.

- پیشنهاد می‌شود بخشی از عوامل مالی غیر رسمی پس از مطالعات تکمیلی تر و با حمایت‌های دولتی به منابع رسمی تبدیل شوند. این گونه تجارب در سایر کشورها نیز مشاهده شده است. به عنوان مثال در انگلستان جوامع دوستی - که گروه‌های کوچکی با هدف پس انداز کردن بوده‌اند - تبدیل به سازمانهای مسکن - که یک منبع بسیار مهم برای عرضه وام می‌باشند - شده‌اند.

منابع

۱. آدامز، د. (۱۹۸۶)، بازارهای مالی روستایی (در مخالفت با اعتبارات ارزان)، ترجمه جعفر کریمی یورفرد، سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر، بوشهر.
۲. ایران‌نژاد، ژ. (۱۳۷۵)، سرمایه‌گذاری و اعتبارات در بخش کشاورزی ایران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
۳. ترکمانی، ج. و آ. کرمی (۱۳۸۲)، تعیین کارآیی منابع تأمین کننده اعتبارات در بخش کشاورزی: مطالعه موردی در استان کهگیلویه و بویراحمد، بانک و کشاورزی، سال اول، شماره دوم، دوره جدید، زمستان ۱۳۸۲، ص ۷۱-۵۹.
۴. خلعتبری، ف (۱۳۶۹)، اقتصاد زیرزمینی، مجله رونق، سال اول، شماره ۲، صص ۱۱-۱۸.
۵. عرب مازار، ع. و ر. خدا رحمی (۱۳۷۸)، ویژگی‌های عمده بازار مالی روستایی

... بررسی منابع غیررسمی

در ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۲۷۸، ص ۴۳-۵۸.

۶. یعقوبی، و. و ج. ترکمانی (۱۳۸۲)، بررسی و مقایسه بخش‌های متشکل و غیرمتشکل پولی در بازار مالی روستایی: کمبودهای بخش متشکل و تعدیل بازار غیرمتشکل، بانک و کشاورزی، شماره دوم، دوره جدید، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۵۰-۱۱۵.

7. ILO (1993), Report to fourteenth Conference of labour statisticians, ILO, Geneva.

8. Iwans, O. (1997), As cited in platteau, mutual insurance as an elusive concept in traditional rural communities. *The Journal of Development Studies*, Vol. 33, No. 6, August 1997, pp. 764-796.

9. Nwana, I.G. (1995), Financial accessibility and rural sector development, *Saving and Development*, No. 4-XIX.

10. APO (1984), Farm credit situation in Asia, APO, Tokyo.